

۲۸۷ - ای یاران این عبد در حالتیکه از شدت صدمات در آتش سوزانم و شدت احتراق استخوان را گداخته با وجود این بیاد شما پر روح و ریحانم و بذکر شما تسلی قلب و جنان یابم و امیدوارم که در ایمان و ایقان چنان استقامتی بنمائید که ملأ اعلی را خورسند و شادمان نمائید روش و سلوک اولیای الهی گیرید و تحمل هر گونه آلام و محن جسمانی نمائید زهر را چون شهد و شکر بچشید و درد را دریاق جانپرور دانید زخم را مرهم و آسایش جان و تن یابید ثمره وجود انسان در این عالم چه و نتایج حیات چه ؟ اگر محن و بلایا در سبیل محبوب نبود در این جهان فانی چه تسلی خاطر میشد؟ ابرار کل گوی موهبت را در این میدان ربودند و احرار ثمره جنیه را از این شجر چیدند اصفیا در سبیل جمال ابهی همواره آرزوی بلا و جفا میکردند و اتقیا در راه میر وفا تحمل صد هزار بلایا مینمودند لهذا باید ما نیز سرمست جام بلا گردیم و یوسف حقیقی جمال ابهی را ببذل جان و دل خریدار شویم اگر در این وادی قدم نهیم روز بروز روشنتر و خوشتر و در درگاه احدیت مقربتر گردیم ابواب فیوضات گشاده یابیم و اسباب وجد و طرب آماده جوئیم بزم الهی برپا کنیم و جشن نامتناهی ترتیب دهیم و ایام را بوجد و طرب گذرانیم